

چگونگی درک ارتش عراق از سپاه و بسیج

	<p>به دلیل اختلافات دیرینه رژیم شاه و رژیم بعث که هر یک در دوران جنگ سرد به یکی از دو اردوگاه غرب و شرق تعلق داشتند، شناخت نیروی مسلح طرف مقابل و داشتن یک برآورد استراتژیک واقع بینانه از آن امری الزامی و در واقع از وظایف ذاتی ارتش هر دو کشور محسوب می شد. ارتش عراق اگر نسبت به ارتش ایران از چنین شناختی برخوردار بود، درباره نیروی مسلح تازه متولد شده پس از انقلاب اسلامی (سپاه پاسداران و بسیج) به شدت از ضعف اطلاعات رنج می برد. به شهادت بسیاری از اسرای ایرانی، یکی از سوالاتی که آنها ابتدا می پرسیدند، کم و کیف سازمان و توان رزمی و ترکیب و گسترش نیروهای سپاه پاسداران بود. سندی که در ادامه خواهد آمد، نشان دهنده میزان شناخت ارتش بعثی عراق پس از عملیات بیت المقدس و در آستانه عملیات رمضان از سپاه و بسیج می باشد. برخی از نکات مندرج در این سند که نیازی به توضیح آنها نیست، مؤید این نکته است که اطلاعات آنان از سپاه پاسداران تا چه اندازه با واقعیات موجود فاصله داشته است.</p>	<p>اشاره</p>
--	---	--------------

شماره ۳۶۰۰ مورخه ۲۵ خرداد ۱۳۶۱ به این یگان ابلاغ شده به شرح زیر می باشد:

نیروهای غیر نظامی ایران به عنوان یک نیروی فعال و موثر در جریان جنگ بروز کرد و این امکان را به فرماندهی نظامی ایران داده تا به مراحل رشد و تکامل پیشرفته تری در جنگ برسد و بدین جهت ضروری یافتیم که شما را در جریان اطلاعاتی که از این نیروها داریم، قرار دهیم.

(۱) **سازماندهی:** نیروهای غیر نظامی ایران به صورت های مختلف تشکیل شده و شامل:

موضوع: سند به دست آمده عراقی
طبقه بندی: شماره سری: ۱۱۳۰۰۲
ارجحیت: شماره: اس/۱۷۴۸/۴-۱۹۸۲/۶/۱۹
تاریخ: ۶/۳/۲۹ پیوست:
فرستنده: قرارگاه تی ۴۲۳ پیاده (اطلاعات)
گیرنده: گروهان ۲ تیپ ۴۲۳

نامه فرماندهی سپاه چهارم سری به شماره ۲۸۲۹ مورخه ۱۳ خرداد ۱۳۶۱ عطف به نامه اداره دوم سری به شماره س ۱۳ ق ۴۸۲۵ که به وسیله نامه فرماندهی لشکر ۱۰ زرهی سری به

۴) **انگیزه و چگونگی داوطلب شدن:** الف) روش داوطلب شدن: در صورتی که به داوطلبین احتیاج پیدا شود، مراکز ثبت نام در شهرها و روستاها با وسایل گوناگون (مانند اعلامیه ها و بیانیه ها، بلندگوها، سخنرانیهای مذهبی، رادیو، تلویزیون، دیدار از مدارس) این خبر را اعلام می کنند و مراکز ثبت نام به شرح زیر می باشد:

اولاً، روابط عمومی پاسداران خمینی (سپاه پاسداران)؛ ثانیاً، واحد بسیج؛ ثالثاً، سازمان جهاد (جهاد سازندگی)؛ رابعاً، بنیاد شهید؛ خامساً، بنیاد امور مهاجرین جنگی و جنگ زدگان. ب) انگیزه ها: اولاً، مادی است، بعلت افزایش و گسترش بیکاری؛ ثانیاً، برای معاف شدن از خدمت سربازی است؛ رابعاً، با زور، مثلاً از بعضی کارگران در کارخانه ها خواسته می شود که داوطلب شوند و گرنه حقوق آنها قطع می شود.

۵) **آموزش و تجهیزات:** داوطلبین از مراکز ثبت نام به مراکز آموزش که در تمام شهرها وجود دارد (مراکز نظامی، مدارس، کارخانه ها، مساجد) برده می شوند و در آنجا به آنها لباس نظامی داده می شود و به گروههای کوچکی تقسیم می شوند و به مدت (۲ تا ۴) هفته آموزش سلاح سبک می بینند، برنامه تیراندازی آنان به شرح زیر می باشد:

اولاً، ۱۰ فشنگ برای تفنگداران؛ ثانیاً، ۵ فشنگ برای افراد حامل مسلسل؛ ثالثاً، یک گلوله موشک آر. پی. جی. ۷ برای آرمیجی زنهار.

همچنین تعدادی از داوطلبین به چگونگی استفاده از خمپاره سبک و سنگین، دستگاه بی سیم (از نوع پی. آر. سی ۷۷)، موتور سواری و کمک های اولیه آموزش داده می شوند. ۶) **امور اداری:** الف) حقوق ماهیانه: اولاً داوطلبین شبه دائمی، حقوق ماهیانه شان (۳۰۰۰) تومان است و قیمت رسمی آن معادل ۱۵۰ دینار عراقی است. ثانیاً، داوطلبین موقتی، حقوقشان (۲۰۰۰) تومان و معادل ۱۰۰ دینار است.

ب) جیره غذایی: داوطلب ها به عنوان مهمان، بر یگان های نظامی که نزدیک آنها مستقر هستند، تقسیم می شوند و جیره غذایی خود را از آنها می گیرند و علاوه بر آن به وسیله اهالی و مردم کمک می شوند و اغلب این کمک ها کنسرو می باشد. مراتب جهت اطلاع

سرهنگ ستاد، خالد ابراهیم عباس
از طرف فرماندهی تیپ ۴۲۳ پیاده

الف. پاسداران خمینی (سپاه پاسداران): این ارگان بعد از سرنگونی شاه تشکیل شد و قبل از جنگ تعداد آنها به ۴۰۰۰۰ مسلح می رسید ولی در زمان جنگ به ۱۵۰۰۰۰ نفر مسلح افزایش یافته است.

ب. بسیج: در میان اینها تعدادی زیادی از ملیت ها و طبقات مختلف وجود دارد که ابتدای صف را افراد بی سواد و سطح پایین جامعه تشکیل داده اند.

ج. نیروهای مردمی: این داوطلبین با انگیزه های گوناگونی به جنگ می آیند و اکثر آنها شهری بوده و ۴۸ تا ۷۲ ساعت قبل از شروع عملیات اصلی به منطقه آورده می شوند که پس از پایان دوباره آنها را باز می گردانند.

۲) **تشکیلات:** پاسداران خمینی و داوطلبان دارای تشکیلات ثابت و مشخصی در جنگ نیستند و ما حالت های زیاد و مختلفی از آنها مشاهده کردیم که خلاصه آن چنین است.

الف) تیپ به عنوان اساس اسکلت تشکیلاتی به حساب می آید. ب) هر تیپ از (۳ تا ۱۰) گردان تشکیل می شود. ج) تعداد افراد گردان بین ۲۵۰ تا ۵۰۰ نفر است.

اولاً، قرارگاه گردان؛ ثانیاً، ۳ گروهان که هر گروهان از ۳ دسته رزمی و یک دسته تشکیل می شود.

تمام فرماندهان در رده های مختلف از پاسداران خمینی می باشند. ۳) **ترکیب:** ترکیب نیروها چندین حالت دارد و قسمتی از آنها به صورت زیر است:

الف. ادغام یک گردان ارتش با یک تیپ از داوطلبین بدین ترتیب است که از افراد گردان ارتش بر گردان ها داوطلبین تقسیم می شوند. در این حالت فرماندهان از پاسداران خمینی می باشند و افسران گردان ارتش، معاونین آنها می شوند (فرمانده گردان ارتش، معاون فرمانده تیپ داوطلبین است. فرمانده گروهان ارتش، معاون فرمانده گردان داوطلبین است، فرمانده دسته ارتش معاون فرمانده گروهان داوطلبین است.) همچنان که در عملیات یورش به محمره خرمشهر اتفاق افتاد.

ب. تقسیم داوطلبین و پاسداران بر گروهان های پیاده به تعداد (۶۰ تا ۸۰) نفر برای هر گروهان می باشد و این افراد تحت فرماندهی گروهان عمل می کنند. چنانچه در عملیات اصلی شوش اتفاق افتاد.

ج. این نیروها به عنوان یک تیپ مستقل تحت فرماندهی لشکرها وارد عمل می شوند و این حالت غالباً شامل تیپ های پاسداران خمینی می شود که اصرار دارند هویت خود را حفظ کنند.